

The Consequences of Distribution and Redistribution Policies in the Islamic Republic of Iran: An Analysis Based on the Models of Almond–Powell and Robert Merton

Jalil Dara 

Associate Professor, Political Sciences,
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Javad Alaei Avargani * 

Ph.D Student, Political Sciences, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran

Introduction

Distribution and redistribution, as one of the specialized functions within the political system, aims to address inequalities and reduce socio-economic disparities. It holds a pivotal role in the systemic approach, as the success or failure of these efforts can significantly influence the level of support for the political system. Following the Revolution, the Islamic Republic embarked on a mission to narrow the class gap across various strata of society by adopting distribution and redistribution policies with the ultimate aim of realizing justice. The Iranian political system thus adopted a proactive stance and function regarding distribution and redistribution, commencing with land reforms at the onset of the Islamic Revolution and progressing through various policy initiatives over the span of four decades. While the

* Corresponding Author: j.alaei.a@modares.ac.ir

How to Cite: Jalil Dara & Javad Alaei Avargani, (2022), “The Consequences of Distribution and Redistribution Policies in the Islamic Republic of Iran: An Analysis Based on the Models of Almond–Powell and Robert Merton”, *Political Strategic Studies*, 12(47), 47-84.

doi: [10.22054/QPSS.2023.71676.3165](https://doi.org/10.22054/QPSS.2023.71676.3165)

impact of the distribution and redistribution policies can be objectively assessed through statistical data and indicators, it is equally crucial to take into account people's subjective perceptions of such policies. This subjective perception often carries substantial weight, sometimes even outweighing the tangible outcomes of policies, significantly influencing the political behavior of individuals within society. In this respect, the present research tried to address the degree of success of the post-Revolution distribution and redistribution policies, and their impact on people's political action.

Literature Review

Mehrgan and Ezzati (2008) delved into the impact of various factors, including taxes, per capita income, literacy levels, unemployment, and inflation rates, on citizens' political participation. The findings revealed that inflation and unemployment significantly reduced electoral participation in the provinces. Conversely, higher levels of literacy and per capita income were associated with increased political engagement of citizens. Saboktakin et al. (2015) concluded that a substantial 99% correlation exists between social and political participation, with a 53% correlation observed for political satisfaction and an 18% correlation for social satisfaction. Furthermore, there is a significant relationship between the socio-economic base and political participation. The results of the regression analysis indicated that among these three variables, political satisfaction had the most significant impact on participation, while social satisfaction had the least impact on social and political participation. Analyzing the economic redistribution policies, Hatami (2012) demonstrated that during the 9th and 10th governments of the Islamic Republic of Iran, there existed a set of peripheral economic policies, such as Justice Shares (Saham-e Adalat), Mehr Housing Plan, and targeted subsidies. These policies interacted with the broader social and electoral context, leading to a complex reciprocal relationship. As a result, Hatami identified two distinct syndromes in

the redistribution policies of the governments. The first syndrome pertained to how the peripheral policies of the government exacerbated the conflict between the center and periphery and turned invisible economic conflicts into socially determining issues. The second syndrome involved the interplay between class aspects of the government and its political ramifications. Instead of the government acting as a party to these conflicts and as an agent in class conflicts, it should play the role of a neutral arbitrator and mediator in resolving class conflicts. This suggests that the government should work towards enhancing its public image and role in this regard.

Materials and Methods

The present research adopted a descriptive–analytical approach and a documentary method. The study aimed to propose a theoretical framework by adapting the systems theories of Almond and Powell as well as Robert Merton’s theory.

Conclusion

Both statistical data and public perception of policy outcomes showed that these policies and institutions exhibited relative inefficiency during the period from 2011 to 2020, leading to exacerbating the existing inequalities and fostering a perception of injustice. Additionally, people’s assessment of the economic situation underscores the inefficiency of such policies, particularly evident in the feedback loop within the system. It is worth noting that a key indicator of support for a political system, particularly in electoral systems, is the level of political participation. An increase in political participation signifies the effective functioning of the political system, while a decline serves as a warning to the political system, indicating diminishing support. A comparative analysis of the outcomes of distribution and redistribution policies, coupled with the levels of political apathy and the participation rate from 2011 to 2020, clearly revealed a significant connection between the effectiveness of

resource (re)distribution and the electoral participation rate as an indicator of the level of support for the political system. The inefficiency of these policies and institutions has grown increasingly conspicuous, exacerbating economic and social inequalities and fostering a prevailing sense of political apathy and hopelessness among the citizens. This factor can be considered one of the root causes contributing to the declining participation rates in both presidential and parliamentary elections.


Keywords: Distribution, Redistribution, Islamic Republic of Iran, Participation, Political Apathy

بررسی پیامدهای سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل آلموند-پاول و رابرت مرتن

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

جلیل دارا 

دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

جواد علایی اورگانی * 

چکیده

توزیع و بازتوزیع به‌عنوان یکی از کارویژه‌های نظام سیاسی که با هدف رفع نابرابری و کاهش شکاف‌های اقتصادی - اجتماعی انجام می‌شود در نگرش سیستمی دارای اهمیت ویژه‌ای است چراکه موفقیت یا عدم موفقیت می‌تواند در افزایش یا کاهش حمایت جامعه از نظام سیاسی موثر باشد. بعد از انقلاب، جمهوری اسلامی سعی کرد با هدف تحقق عدالت با تدوین و اجرای سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی، میزان شکاف طبقاتی و نابرابری را در سطوح مختلف جامعه کاهش دهد. در این مقاله از روش تحلیلی توصیفی با رویکرد اسنادی و چهارچوب نظری ترکیبی از آرای آلموند و پاول و مرتن بهره گرفته می‌شود. پرسش مقاله این است که سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی بعد از انقلاب تا چه اندازه موفق بوده و چه تاثیری بر کنش سیاسی افراد داشته است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود تدوین و اجرای سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف، هم بر اساس آمار و هم ادراک افراد از وضعیت اقتصادی، نتایج مطلوبی در این حوزه بدست نیامده است و این ناکارآمدی به بی‌تفاوتی سیاسی و کاهش میزان تمایل افراد به مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف منجر شده است.

واژگان کلیدی: توزیع، بازتوزیع، جمهوری اسلامی، ایران، مشارکت، بی‌تفاوتی سیاسی.

مقدمه

توزیع منابع و امکانات در هر جامعه‌ای از چنان اهمیتی برخوردار است که در اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، محققان به گونه‌شناسی نظام‌های توزیعی و بازتوزیعی مبادرت کرده‌اند و این مسئله چنان مورد توجه اندیشمندان بوده است که دیوید/یستون در تعریفی که از سیاست ارائه می‌دهد سیاست را توزیع آمرانه ارزش‌ها می‌داند (عالم، ۱۳۹۴: ۲۳). آلموند و پاول در تعیین کارکردهایی که یک نظام سیاسی باید داشته باشد کارکرد توزیع را از جمله بایسته‌های کارکردی سیستم در نظر می‌گیرند و نشانه‌های کارآمد بودن یک سیستم را کارکرد درست سیاست‌های توزیعی آن می‌دانند (آلموند و پاول، ۱۳۸۱: ۵۵). از منظر اقتصادی سیاسی؛ لیبرال‌های کلاسیک در فرآیند توزیع نقش قابل توجهی برای بازار در نظر می‌گیرند و در مقابل نقش دولت به یک داور و نگهبان شب فروکاسته می‌شود و تنها نقش تدوین و اجرای قوانین و دفاع از حقوق فردی را دارد (کلارک، ۱۳۸۹: ۱۸۸). در تقابل با لیبرال‌ها طرفداران دولت رفاه و سوسیالیسم‌ها قرار می‌گیرند که نقش بسیار پررنگی را برای دخالت دولت در جامعه و اقتصاد در نظر می‌گیرند. بدین‌سان با وجود اینکه لیبرال‌ها توزیع را کارکرد اختصاصی بازار می‌دانند؛ اما در عالم واقع در فرآیند توزیع، هم بازار با برقراری معادله عرضه- تقاضا به توزیع امکانات و منابع بر اساس میزان کارایی و توانایی افراد مبادرت می‌کند و هم دولت با تدوین برخی سیاست‌ها مانند تعیین حقوق کارگران، ساخت تأسیسات عمومی مانند جاده‌ها و ... در فرآیند توزیع در جامعه دخیل است.

خواه توزیع توسط بازار انجام شود و یا به وسیله دولت، چگونگی وضعیت توزیع منابع بر کنش و رفتار سیاسی- اجتماعی افراد در جامعه مؤثر است، در صورتی که توزیع مناسب باشد جامعه با بحران کمتری روبه‌رو است. با وجود این، گاه به دلیل ناکارایی فرآیند توزیع اولیه، سیستم سیاسی مجبور می‌شود اقدام به اجرای سیاست‌های بازتوزیعی کند. سیاست‌های بازتوزیعی، سیاست‌هایی هستند که دولت به منظور بازتوزیع دوباره کالا و خدماتی که قبلاً بوسیله سیاست‌های اجرایی خودش یا از سوی بازار در جامعه توزیع شده‌اند، آنها را اجرا می‌کند. بسته به نوع نظام سیاسی و شرایط جامعه، کارکرد توزیع و بازتوزیع از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت خواهد بود. در این میان، نظام‌های انقلابی

که در پی احساس بی‌عدالتی نسبت به توزیع امکانات و منابع رخ داده‌اند به شدت مستعد در پیش گرفتن سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی هستند. از منظر جامعه‌شناسی در ادبیات انقلاب در حوزه اقتصادی این مسئله بیان می‌شود دولت‌هایی که بعد از انقلاب قدرت را تصاحب می‌کنند سیاست‌های مداخله‌گرایانه‌ای را در حوزه اقتصادی اجرا می‌کنند. از جمله افرادی چون دوتوکویل و هانا آرنت که به بررسی دولت‌های انقلابی پرداختند این موضوع را بیان می‌کنند که دولت‌های بعد از انقلاب، دولت‌های بوروکراتیک‌تر و قوی‌تری هستند. آرنت این نکته را بیان می‌کند از آنجایی که مسائل اقتصادی در انقلاب‌های ۱۷۸۹ میلادی به بعد در مرکز توجه بود، انقلاب‌هایی که از این مقطع به بعد رخ دادند انقلاب‌هایی با وجه اقتصادی بودند. این انقلاب‌ها با یک فاصله زمانی بعد از انقلاب درصدد اجرای سیاست‌هایی برای کاهش فقر هستند که سیاست‌های بازتوزیعی نمود این نوع سیاست‌ها است (ر.ک: حاتمی، ۱۳۹۰: ۸۷-۹۵).

بعد از انقلاب اسلامی با توجه به شعارهایی که در جهت برقراری عدالت و حمایت از مستضعفان داده شد نظام برای خود یک کارکرد توزیعی و بازتوزیعی پررنگی تعریف کرد که در ابتدای انقلاب با اصلاحات ارضی آغاز و طی این چهل سال در قالب سیاست‌های گوناگون ادامه یافت. گرچه وضعیت خروجی سیاست‌های توزیع و بازتوزیعی در بعد عینی بر اساس آمار و شاخص قابل رصد است؛ اما ادراک و برداشت ذهنی افراد از نتایج این سیاست‌ها بسیار مهم است. بنابراین برای پی بردن به این نکته که آیا سیاست‌ها نتایج مطلوبی داشته‌اند یا نه، باید علاوه بر توجه به داده‌های آماری به برداشت و ادراکی که افراد از آنها دارند توجه شود.

این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی بعد از انقلاب تا چه اندازه موفق بوده است و نتایج آنها چه تاثیری بر کنش سیاسی افراد داشته است؟

فرضیه پژوهش این است که بر اساس آمار و ادراک افراد از وضعیت اقتصادی، سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی نتایج مطلوبی نداشته است و این امر به بی‌تفاوتی سیاسی افراد و کاهش تمایل آنها برای مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف منجر شده است.

پیشینه پژوهش

مهرگان و عزتی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری متغیرهایی مانند مالیات، درآمد سرانه، سطح سواد، بیکاری و نرخ تورم بر روی مشارکت سیاسی شهروندان می‌پردازند. در این پژوهش نتایج نشان داده است که تورم و بیکاری تأثیر منفی زیادی بر روی مشارکت انتخاباتی در استان‌ها دارد؛ از طرف دیگر سطح سواد و درآمد سرانه در استان‌ها موجب افزایش مشارکت مردم در شده است.

سبکتکین و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که میان مشارکت سیاسی اجتماعی و رضایتمندی سیاسی با ۵۳٪ و رضایتمندی اجتماعی با ۱۸٪ همبستگی معنادار ۹۹٪ وجود دارد و متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری را نشان داد. نتایج تحلیل رگرسیون این نکته را نشان می‌دهد که از میان سه متغیر مذکور، رضایتمندی سیاسی بیشترین تأثیر را بر مشارکت و متغیر رضایتمندی اجتماعی و کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی اجتماعی داشته است.

حاتمی (۱۳۹۳)، در پژوهشی تلاش کرد تا با بررسی سیاست‌های بازتوزیعی اقتصادی دولت نهم و دهم در ایران پس از انقلاب نشان دهد که در این دوره میان سیاست‌های اقتصادی پیرامونی این دولت مانند سهام عدالت، مسکن مهر و هدفمندی یارانه‌ها از یکسو و پایگاه اجتماعی و انتخاباتی پیرامونی آن از سوی دیگر رابطه متقابل وجود دارد. بر این اساس نگارنده دو سندروم را در قالب سیاست‌های بازتوزیعی این دولت شناسایی می‌کند. اول آنکه سیاست‌های پیرامونی دولت منازعه مرکز- پیرامون را شدت بخشیده و منازعات ناپیدای اقتصادی را تعینی اجتماعی بخشیده و از سوی دیگر وجوه طبقاتی دولت و پیامدهای سیاسی مترتب بر همین وجوه بود که بر این اساس دولت بجای آنکه یکسوی منازعه و کارگزار منازعه طبقاتی باشد به‌عنوان داور و میانجی منازعات طبقاتی باشد و بر این اساس دولت باید خصلت عمومی خود را تقویت کند.

روش تحقیق چارچوب نظری پژوهش

از منظر روش تحقیق، این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی تدوین شده است. همچنین با انجام تعدیلاتی در نظریه سیستم‌های آلmond و پاول و نظریه رابرت مرتن سعی شده است چهارچوب نظری و مدل مفهومی تدوین شود.

طرح آلموند و پاول نحوه عملکرد نظام سیاسی را با نگاه سیستمی نشان می‌دهد. با توجه به مفاهیم کلیدی سیستم (نظام)، ورودی‌ها، فرآیند تبدیل، خروجی‌ها، محیط، نتایج، ساختار سیاسی و فرهنگ سیاسی؛ کارکردهای نظام سیاسی در سه سطح سیستم، فرآیند تبدیل و خط‌مشی عمومی بررسی می‌شود.

ورودی سیستم

در بخش ورودی سیستم علاوه بر تقاضاها (رفاه، عدالت، آزادی، رشد و ...) و حمایت‌ها (انواع مشارکت سیاسی، شرکت در مراسم مذهبی، راهپیمایی‌ها و کارناوال‌های سیاسی) بازخوردهای منفی ناشی از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی را داریم که یا به صورت اعتراضات و جنبش‌های خیابانی نمود پیدا می‌کنند و یا در قالب کنش‌های انفعالی و بی‌تفاوتی سیاسی - اجتماعی وارد سیستم می‌شوند.

استخراج

در نظریه سیستمی آلموند و پاول بخش اعظمی از منابع استخراجی سیستم از راه اخذ مالیات است که به طرق مختلف انجام می‌شود (آلموند و پاول، ۱۳۸۱: ۲۲۷-۲۲۶)؛ اما در نظام سیاسی جمهوری اسلامی که از آن با عنوان چندماهیتی در حوزه اقتصاد سیاسی یاد می‌شود علاوه بر مالیات، رایج‌ترین شکل استخراج منابع، استخراج از فروش منابع طبیعی و کسب عواید رانتی است که بدون شک این نوع استخراج منابع بر شیوه توزیعی و بازتوزیعی و تقاضاهای ورودی به سیستم تأثیرگذار است.

توزیع و بازتوزیع

در نظریه سیستمی آلموند و پاول تنها از کارویژه توزیع صحبت شده است که با توجه به تعریفی که از این کارویژه می‌دهند، هم سیاست‌های توزیعی و هم سیاست‌های بازتوزیعی را در برمی‌گیرد (آلموند و پاول، ۱۳۸۱: ۲۳۲-۲۲۹). در تدوین نظریه مورد نظر در این پژوهش، هر دو مفهوم توزیع و بازتوزیع ذکر می‌گردد تا از هر گونه اشتباه جلوگیری شود.

خروجی سیستم

خروجی ناشی از سیاست فرایند سیاست‌گذاری هم نتایج مثبت و هم منفی است.

مثبت: رفاه، برابری، کاهش تبعیض، افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت هم‌بستگی اجتماعی، حمایت از سیستم، افزایش مشروعیت سیستم و ...

منفی: افزایش نابرابری، افزایش شکاف طبقاتی، کاهش سرمایه اجتماعی، شکاف میان اهداف و امکانات، ایجاد حس محرومیت نسبی.

نظریه آنومی مرتن

از نظر مرتن اگر میان اهداف در جامعه و امکانات رسیدن به آنها تناسبی وجود داشته باشد و توزیع نامناسب باعث شکاف میان این دو (اهداف و امکانات)، شود بخاطر ناامیدی ناشی از این شکاف جامعه بیشتر مستعد آنومی و گسیختگی اجتماعی است. مرتون رفتارهای اجتماعی منبث از تعارض منافع و امکانات را در چهار واکنش اصلی صورت‌بندی می‌کند:

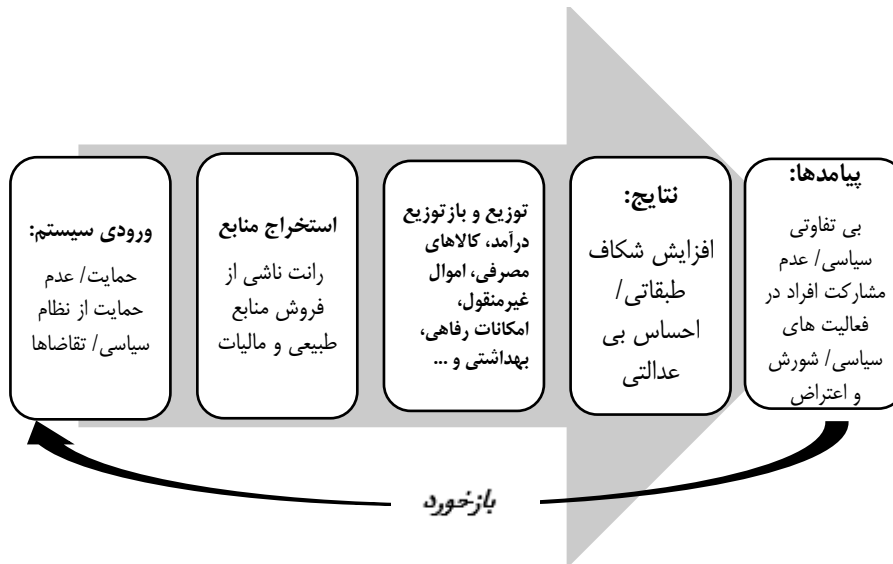
* نوآوری (Innovation): این واکنش به رفتارهای انحرافی و مجرمانه می‌انجامد که بیشتر در طبقات پایین‌تر جامعه رایج است.

* شعارگرایی (Pitualism): در این وضعیت فرد اهداف تقریر شده از سوی اجتماع را نادیده می‌گیرد و بر وسایل مشروع تاکید دارد که نتیجه آن رفتاری وسواس‌گونه نسبت به مناسک و شعائر است که بیشتر در طبقه متوسط رایج است، این افراد افرادی هنجارشکن نیستند؛ اما اهداف را از یاد برده‌اند و حالتی از بی‌معنایی دارند.

* عزلت‌گرایی (Retreation): وقتی هر دو (هم اهداف و هم امکانات دستیابی به آن) نفی شوند، مرتون آن رفتار را عزلت‌گزیدن یا بی‌تفاوتی [بی‌دردی - بی‌اعتنایی] می‌نامد.

* شورش (Rebellian): از نظر مرتون هنگامی که نظام نهادی به‌عنوان مانعی برای تحقق اهداف مشروع تلقی می‌شود، مرحله مناسبی برای طغیان به‌عنوان یک پاسخ است (مرتن، ۱۹۶۸: ۱۹۸-۲۰۴).

شکل (۱) مدل مفهومی



مروری بر سیاست‌های کلان توزیعی و بازتوزیعی بعد از انقلاب

پیش از پرداختن به سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی، بیان این نکته ضروری است که به دلیل دولتی و رانتی بودن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که حجم گسترده از منابع استخراجی خود را در دهه‌های گذشته از فروش منابع طبیعی بدست می‌آورد، سیاست‌گذاری در بخش توزیع توسط دولت (قوه مجریه) فربه‌تر و بیشتر از سیاست‌های بازتوزیعی بوده است. چرا که در سیاست‌های بازتوزیعی، منابع از کانال استخراجی مالیات استخراج می‌شود و سپس بین اقشار خاص توزیع مجدد می‌شوند؛ اما چون کارویژه مالیات‌ستانی در ایران ضعیف بوده است، کارویژه بازتوزیعی ضعیف است؛ اما در کنار دولت، نهادهایی مانند بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان مستضعفین، ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد برکت آستان قدس رضوی در قالب نهادهایی حکومتی به بازتوزیع مبادرت کردند.

الف - سیاست‌های توزیعی

سیاست‌های توزیعی که بعد از انقلاب توسط دولت اجرا شده است بیشتر شامل قانونگذاری در بخش توزیع درآمد بخش‌های دولتی و خصوصی، اجرای طرح‌های عمرانی در سراسر کشور در بخش‌های آموزش، بهداشت و خدمات بوده است.

یکی از مهمترین سیاست‌های توزیعی که در قالب گفتمان عدالت و با هدف کاهش نابرابری‌ها صورت گرفت سیاست پرداخت یارانه در قالب پرداخت مستقیم بخشی از بهای کالاها و خدمات اساسی و همچنین کنترل قیمت حامل‌های انرژی با هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، توزیع عادلانه درآمد، تثبیت قیمت‌ها و حمایت از تولید بوده است (زیرک، ۱۳۹۲: ۲). سیر صعودی حجم یارانه‌های آشکار و پنهان دولت موجب گردید تا از اوایل دهه ۸۰ ه. ش در میان نخبگان ابزاری و فکری کشور نسبت به ضرورت تجدیدنظر در نظام پرداخت یارانه اجماع نظر نسبی حاصل آید (فتحی‌پور، ۱۳۹۳: ۴). این مسائل باعث شد تا در دولت نهم بحث هدفمند کردن یارانه‌ها مطرح شود. دولت نهم برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور در پاییز ۱۳۸۹ طرحی با عنوان طرح تحول اقتصادی انجام داد.

از دیگر سیاست‌های توزیعی که برای کاهش میزان شکاف اقتصادی و بهبود وضعیت معیشت دهک‌های بالا صورت گرفت تخصیص سهام عدالت در دولت نهم بود. طرح مسکن مهر در دولت نهم و در ادامه، طرح ملی مسکن در دولت دوازدهم از جمله طرح‌هایی بودند که در زمینه مسکن برای بهبود وضعیت خانوارهای فاقد مسکن اجرا شد. توزیع سبد حمایتی خانوار نیز به‌عنوان یکی از سیاست‌های توزیعی بود که توسط دولت در جهت حمایت از اقشار ضعیف جامعه در دولت یازدهم انجام پذیرفت.

ب - سیاست‌های بازتوزیعی

همانگونه که گفته شد با توجه به ماهیت دولت در ایران، سیاست‌های توزیعی نسبت به سیاست‌های بازتوزیعی فربه‌تر است. از این‌رو سیاست بازتوزیعی تبدیل به سیاست‌های توزیعی می‌شود و هر دو قشر پردرآمد و کم‌درآمد از رانت نفت بهره‌مند می‌شوند و همین عامل باعث نحیف و کم‌رنگ بودن سیاست‌های بازتوزیعی می‌شود.

عمده‌ترین اقدامات بازتوزیعی از بالا به لویحی مربوط می‌شد که شورای انقلاب و سپس دولت آن را ارائه کردند. این لویحی ماهیت بازتوزیعی قابل توجه داشتند و عموماً

متضمن منافع طبقات فرودست بودند. نخستین اقدام از این نوع، لایحه ملی کردن اراضی شهری بود. طبق یک برآورد، در ابتدای انقلاب که حدود ۳۷ میلیون جمعیت داشت ۳ میلیون واحد مسکونی کمبود داشت (Kiafar, 1992: 236). در ادامه این اقدامات بود که شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ قوانینی را برای ابطال مالکیت اراضی موات شهری تصویب کرد (مدنی، ۱۳۶۶: ۱۹۰). دومین لایحه بازتوزیعی، لایحه اصلاحات ارضی بود. این لایحه هم از چند لحاظ حائز اهمیت بود. این لایحه در واقع وجه بازتوزیعی زیادی نداشت و بیشتر به دنبال توزیع اراضی بایر و زمین‌های کشاورزی متعلق به خاندان پهلوی و وابستگان آن بود که پیشتر بر اساس دستور شورای انقلاب مصادره شده بودند (حاتمی، ۱۳۸۵: ۷۵).

اقدام بازتوزیعی که بعداً صورت گرفت لایحه تأمین و توزیع کالا بود. اقدام بازتوزیعی بعدی، لایحه تأمین و توزیع کالا بود. این لایحه زمانی در مجلس به تصویب رسید که تأثیرات اقتصاد جنگی در کشور نمود پیدا کرد. احتکار کالاهای اساسی از سوی برخی از تجار، خشم مقامات سیاسی را برانگیخته بود و بازار سیاه کالاهای اساسی امری رایج شده بود. همچنین نقش عوامل توزیعی خارج از مکانیزم بازار که در ماه‌های قبل از انقلاب از طریق مساجد انجام می‌شد و تداوم کار آنها در قالب تعاونی‌های مصرف اسلامی، در جلب توده‌ها موثر افتاده بود. چنانکه بر اساس یک بررسی، پس از انقلاب در تهران ۴۶۰ تعاونی از این دست ایجاد شد و تعداد آنها تا سال ۱۳۶۱ در کل کشور به ۱۲۳۸۷ تعاونی رسید. این تعاونی‌های مصرف تا سال ۱۳۶۱ در حدود ۵/۶ میلیون عضو داشتند. تا سال ۱۳۶۱ در سراسر کشور ۱۲۳۸۷ تعاونی شکل گرفت و هدف آنها توزیع کالاهای اساسی مانند شکر، گوشت، روغن بر اساس نظام سهمیه‌بندی با هدف بهبود مسئله توزیع کالا در کشور بود (Moaddel, 1991: 325).

ارزیابی سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی

الف- وضعیت توزیع درآمد (ضریب جینی)

با وجود اجرای این سیاست‌ها برای بهبود وضعیت توزیع، آمارها حاکی از ناموفق بودن این سیاست‌هاست. چنانچه شاخص جینی را ملاک توزیع درآمد در ایران به حساب آوریم باید گفت بر اساس آمار بانک جهانی؛ در حالی که شاخص جینی در سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶م)

عدد ۴۷/۴ را نشان می‌دهد این شاخص در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳م) ۳۷/۴ و در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹م) شاخص ۴۰/۹ را نشان می‌دهد. بررسی‌های این سه دهه حاکی از آن دارد هر چند در مقاطعی کوتاه نابرابری‌ها بهبود یافته؛ اما در طول این سه دهه سیاست‌ها با فراز و فرود و نوسان همراه بوده است (بانک جهانی، ۲۰۲۲).^۱

جدول شماره (۱) شاخص جینی سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۹

Year	Value
1986	47.40
1990	43.60
1994	43.00
1998	44.10
2005	43.60
2006	44.80
2009	42.10
2013	37.40
2014	38.80
2015	39.50
2016	40.00
2017	40.80
2018	42.00
2019	40.90

منبع: بانک جهانی

در رویکرد مقایسه‌ای نیز وضعیت ضریب جینی قابل بررسی است. بر اساس آمار بانک جهانی ضریب جینی ایران در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸م) عدد ۴۰٪ را نشان می‌دهد و ایران در مقایسه با برخی از کشورهای همسایه خود مانند پاکستان با ضریب جینی ۳۳/۵٪، تاجیکستان ۳۴٪، امارات متحده عربی ۲۶٪ و رژیم صهیونیستی ۳۸/۶٪ وضع چندان مطلوبی ندارد (بانک جهانی، ۲۰۲۲).^۲

طبق آمار بانک جهانی، ضریب جینی درآمد در ایران بالا است و ایران در سال ۲۰۲۱ در رتبه شصتم جهان قرار دارد یعنی فقط ۵۹ کشور در جهان از لحاظ ضریب جینی، وضعیت بدتری نسبت به ایران دارند (جدول شماره ۲).

۱. ضریب جینی کشورها، بانک جهانی، ۲۰۲۲، قابل دسترسی در:

<https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI>

۲. ضریب جینی کشور، ۲۰۲۲، بانک جهانی، قابل دسترسی در:

<https://worldpopulationreview.com/country-rankings/gini-coefficient-by-country>

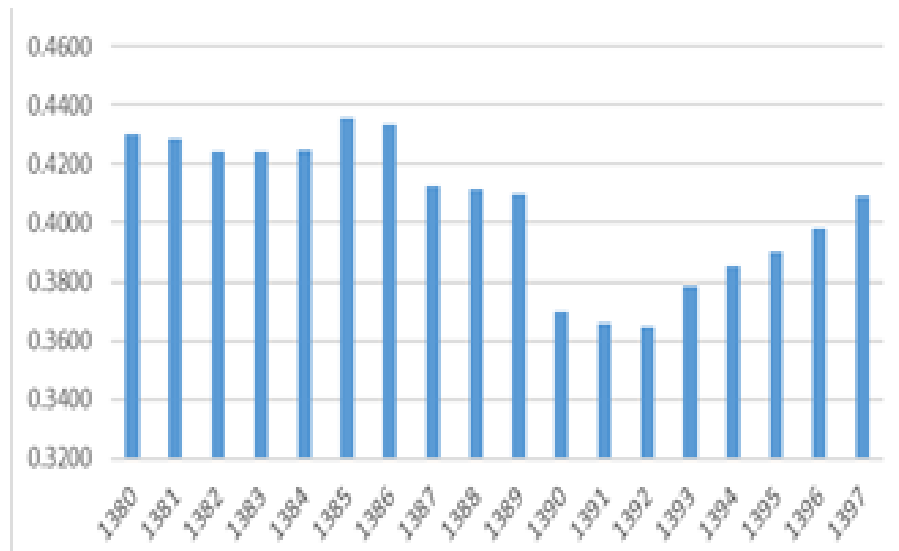
جدول شماره (۲)

رتبه	کشور	ضریب جینی	رتبه	کشور	ضریب جینی	رتبه	کشور	ضریب جینی
۴۸	ترکیه	۴۱/۹	۷۷	روسیه	۳۷/۷	۱۲۵	سوئیس	۳۲/۲
۵۱	امریکا	۴۱/۵	۹۵	هند	۳۵/۷	۱۲۷	ژاپن	۳۲/۱
۵۳	آرژانتین	۴۱/۲	۹۷	پرتغال	۳۵/۵	۱۳۳	آلمان	۳۱/۷
۶۰	ایران	۴۰	۹۸	ایتالیا	۳۵/۴	۱۳۴	کره	۳۱/۶
۶۶	اسرائیل	۳۸/۹	۱۱۵	پاکستان	۳۳/۵	۱۳۹	عراق	۲۹/۵
۶۸	چین	۳۸/۶	۱۱۶	انگلستان	۳۳/۳	۱۴۴	دانمارک	۲۸/۲

منبع: بر اساس داده‌های بانک جهانی

بررسی‌های مرکز آمار ایران در ارتباط با ضریب جینی نشان می‌دهد هرچند به دلیل اجرای هدفمندی یارانه در سال‌های آغازین دولت دهم ضریب جینی کاهش یافته است؛ اما در نهایت این طرح مسکنی کوتاه‌مدت برای نابرابری‌های اجتماعی بوده است (نمودار شماره ۱) و در نهایت نابرابری‌ها با کم‌اثر شدن پرداخت نقدی، روند رو به رشدی را نشان می‌دهد.

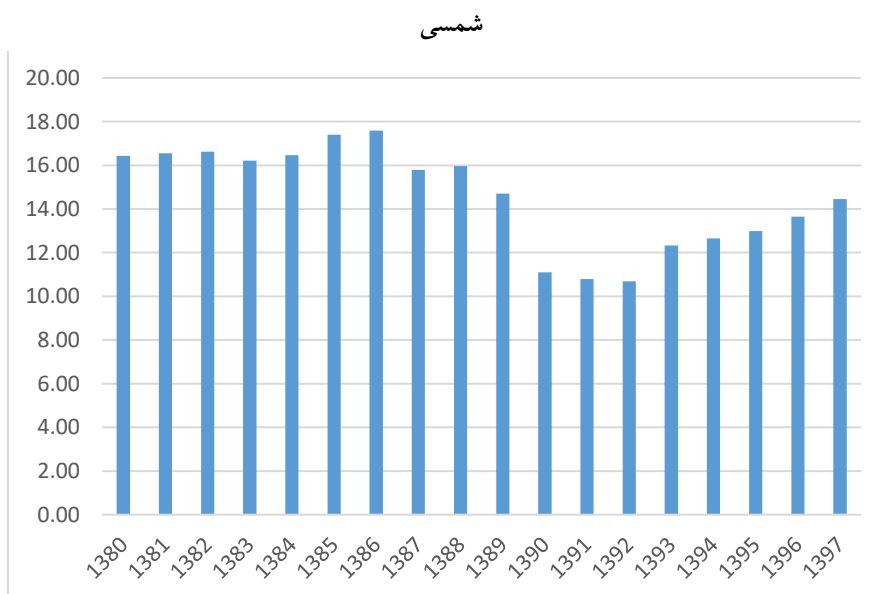
نمودار شماره (۱): نمودار ضریب جینی در دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی



منبع: مرکز آمار ایران

همچنین به نسبت افزایش ضریب جینی، سهم ده درصد ثروتمند نسبت به ده درصد فقیر افزایش یافته است. به نحوی که در سال ۱۳۹۷ این سهم عدد ۱۴/۴۵ را نشان می‌دهد که به نسبت سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ که این سهم به ترتیب اعداد ۱۱/۰۹ و ۱۰/۷۹ بوده است رشد بیش از سه واحد را نمایان می‌سازد. (نمودار شماره ۲)

نمودار شماره (۲): سهم ده درصد فقیر جمعیت به نسبت ده درصد ثروتمند در دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی



منبع: مرکز آمار ایران

ب- توزیع ثروت از طرق تسهیلات بانکی

همچنین چنانچه تسهیلات بانکی را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی در توزیع منابع بدانیم باید بر این نکته تأکید کرد که از حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی بانکی ایران، ۱۰۰ هزار میلیارد آن تنها در اختیار ۳۰ نفر است (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۷)^۱ همچنین بر اساس گزارش دیگر، مجموع مطالبات غیر جاری بانک‌ها که بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است و این رقم در دست حدود ۵۰۰ نفر قرار دارد. همچنین مانده مطالبات

۱. ابر بدهکاران بانکی، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ قابل دسترسی در آدرس:

غیر جاری بیش از ۱۰ میلیارد تومان جمعاً عددی برابر ۶۲ هزار میلیارد تومان است که در دست ۹۰۰ ذینفع شامل افراد حقوقی و حقیقی است. همچنین مطالبات غیر جاری بیش از هزار میلیارد تومان در اختیار ۳ ذینفع قرار دارد. دارندگان بدهی غیر جاری بالای ۵۰۰ میلیارد تومان هم ۱۸ نفر هستند که چیزی حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان از حجم مطالبات را به خود اختصاص داده‌اند. به این اعداد و ارقام بدهی غیر جاری بالای ۱۰۰ میلیارد تومان را هم باید اضافه کرد که مجموع این نوع بدهی ۴۲ هزار میلیارد تومان است که در اختیار ۱۴۵ نفر است. همچنین میزان بدهی غیر جاری بالای ۵۰ میلیارد تومان جمعاً ۴۷ هزار میلیارد تومان است که در اختیار ۲۸۳ نفر اعم از حقیقی و حقوقی قرار دارد (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱/۰۱/۲۱).^۱ در همین رابطه باید به گزارش کمیسیون اصل نود اشاره کرد که بر اساس آن از مجموع مبلغ ۷۸۱ هزار میلیارد تومان تسهیلات اعطایی بانک‌ها در پایان شهریورماه سال ۱۳۹۶، مبلغ ۱۳۶ هزار میلیارد تومان آن تبدیل به مطالبات غیر جاری (سررسید گذشته، معوقه و مشکوک الوصول) شده است؛ اما نکته مهم‌تر آن است که ۸۴ درصد مطالبات معوق بانک‌ها مربوط به وام‌های کلان (وام‌های بیش از یک میلیارد تومان) است. طبق این گزارش، فقط ۱۶ درصد از کل مطالبات معوق بانک‌ها مربوط به وام‌های زیر یک میلیارد تومان است (کیهان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).^۲ بر اساس این گزارش‌ها به نظر می‌رسد تسهیلات بانکی کلان تنها در اختیار عده معدودی قرار می‌گیرد و آنها نیز از بازپرداخت سرباز می‌زنند.

پ- توانمندسازی اشتغال

برخی از متفکرین حوزه عدالت اجتماعی ذیل سیاست توانمندسازی از مسئله اشتغال به‌عنوان یکی از راهکارهای حذف فقر و توزیع درآمد یاد می‌کنند (نیلی، ۱۳۹۴: ۱۲۵). در یک بررسی آماری دیگر چنانچه قدرت خرید کارگر در سال‌های پس از انقلاب را ملاک بررسی بهبود توزیع درآمد در ایران قرار دهیم باید گفت که حداقل دستمزد

۱. تردید بانک‌ها در معرفی بدهکاران بانکی، خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱/۱۲/۲۶، قابل دسترسی در:

<https://www.farsnews.ir/news/14010121000401>

۲. معوقات بانکی، کیهان، ۱۳۹۷/۰۳/۱۱، قابل دسترسی در:

<http://kayhan.ir/fa/news/133991/84>

کارگران در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۹۷ از ۱۶۵ تومان در ماه به یک میلیون و ۱۱۴ هزار تومان رسیده است. این رقم در سال ۱۳۵۷ حدود ۶۳۰ تومان بوده که بلافاصله پس از انقلاب و در سال ۱۳۵۸ به هزار و ۷۰۱ تومان افزایش می‌یابد.

این رشد ظاهری زمانی که با قدرت خرید واقعی پول مقایسه می‌شود شاخص دیگری را نشان می‌دهد، به‌عنوان مثال قیمت هر کیلوگرم گوشت گوسفندی در آستانه رخداد انقلاب سال ۵۷ خورشیدی نزدیک به ۲۳ تومان بوده است. این بدان معناست که حداقل دستمزد کارگری آن سال قدرت خرید ماهانه بیش از ۲۷ کیلوگرم گوشت قرمز را داشته است ولی در حال حاضر قدرت خرید ماهانه حداقل دستمزد کارگری تنها معادل ۹ کیلوگرم گوشت قرمز گرم است؛ اما اگر بخواهیم این بررسی را بر پایه قدرت خرید دلاری (بین‌المللی) حداقل دستمزد محاسبه کنیم نتایج قدری متفاوت می‌شود. با توجه به اینکه نرخ دلار در بازار آزاد ایران از ۷ تومان در سال ۱۳۴۸ به ۱۲ هزار و ۲۰۰ تومان در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۷ رسیده، محاسبه نرخ دلاری حداقل دستمزد نشان می‌دهد که در مقایسه با روش پیشین، قدرت خرید کارگران ایرانی در مقاطع کوتاه‌تری بیش از قدرت خرید آنها در سال‌های پیش از انقلاب بوده است. در پایان سال ۱۳۹۹ اگر قیمت هر دلار را ۲۴ هزار تومان محاسبه کنیم، دریافتی دلاری هر کارگر تنها به ۱۱۰ دلار می‌رسد. در یک دهه گذشته، بالاترین درآمد دلاری مربوط به سال ۹۰ و پایین‌ترین آن مربوط به سال ۹۹ بوده که حداقل مزد کارگران تنها ۷۹ دلار ارزش داشته است (محمودی، ۱۴۰۲).^۱

در یک رویکرد مقایسه‌ای نیز حداقل دستمزد ماهانه ایران ۴۰۰ و ترکیه ۵۰۰ دلار در ۱۳۸۹ (پیش از تحریم‌های دور اول) بود. حداقل دستمزد در ایران به ۱۴۰ و ترکیه به ۴۵۰ دلار در دی ماه ۱۴۰۱ رسیده است. طی ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ حداقل دستمزد به دلار در ایران ۶۵ درصد و در ترکیه فقط ۹ درصد کاهش یافت (هزاره مقدم، ۱۴۰۱).^۲

۱. محاسبه دلاری دستمزد کارگران، تجارت نیوز، ۱۳۹۹/۱۲/۲۵، قابل دسترسی در:

<https://tejaratnews.com>

۲. محاسبه حقوق بر اساس دلار، ایلنا نیوز، ۱۴۰۱/۱۰/۲۹، قابل دسترسی در: <https://www.ilna.ir>

نمودار شماره (۳)



منبع: تجارت نیوز

ت- قدرت خرید دهکها

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «تصویری از وضعیت اقتصادی کشور: چالش‌ها و راهکارها» که به بررسی دهه ۹۰ شمسی اقتصاد ایران می‌پردازد؛ در رابطه با قدرت خرید خانوارها باید گفت درآمد سرانه کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ کاهشی ۳۴ درصدی داشته است. در واقع علی‌رغم افزایش درآمد اسمی خانوارها قدرت خرید هر فرد ایرانی نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود یک‌سوم کاهش یافته است. بر اساس این گزارش در صورت تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی از سال ۱۳۹۹ به بعد، حداقل به ۶ سال زمان نیاز خواهد بود تا خانوارهای ایرانی به سطح درآمد سرانه سال ۱۳۹۰ بازگردند. همچنین بر اساس شاخص‌های نابرابری باید گفت روند صعودی ضریب جینی و نسبت ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین جمعیت از سال ۱۳۹۲ نشان دهنده افزایش قابل توجه نابرابری و شکاف اجتماعی در نتیجه رشد اقتصادی منفی و تورم بالای اقتصاد طی این سال‌ها بوده است (نمودار شماره ۱ و ۲).

همچنین نرخ فقر کشوری در این دهه از عدد ۱۸/۱ در سال ۱۳۹۸ به شاخص ۲۸/۸ رسیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹/۰۱/۲۰).

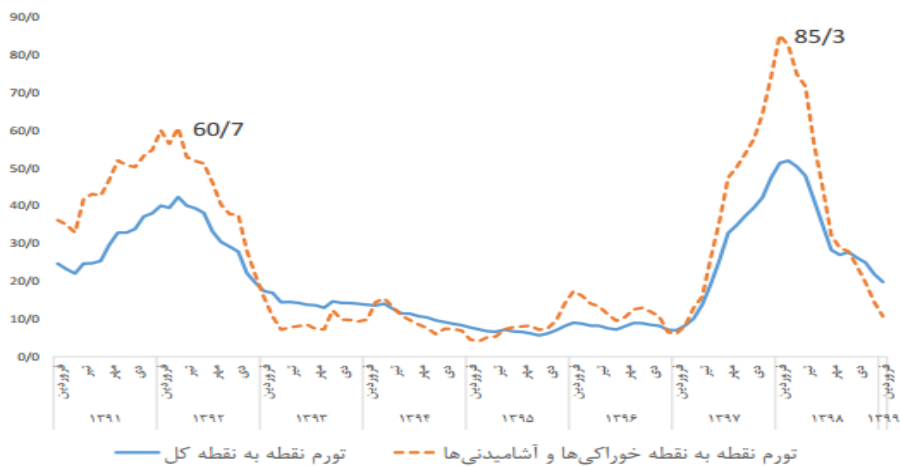
نمودار شماره (۴)



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

همچنین در این گزارش به بررسی تأثیر شوک‌های ارزی این دهه بر تأمین معاش خانوارهای فقیر اشاره شده است که نشان می‌دهد در طول این دهه فقرا فقیرتر شده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹/۰۱/۲۰). همه این تحولات در حالی صورت گرفته است که از سوی دولتمردان در ایران؛ دهه چهارم انقلاب، دهه پیشرفت و عدالت نامیده شده است و بر اساس گزارش‌های رسمی در پایان این دهه وضعیت فقر در ایران به مراتب بدتر شده است.

نمودار شماره (۵) - تحولات هزینه‌های خانوار



منبع: گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس

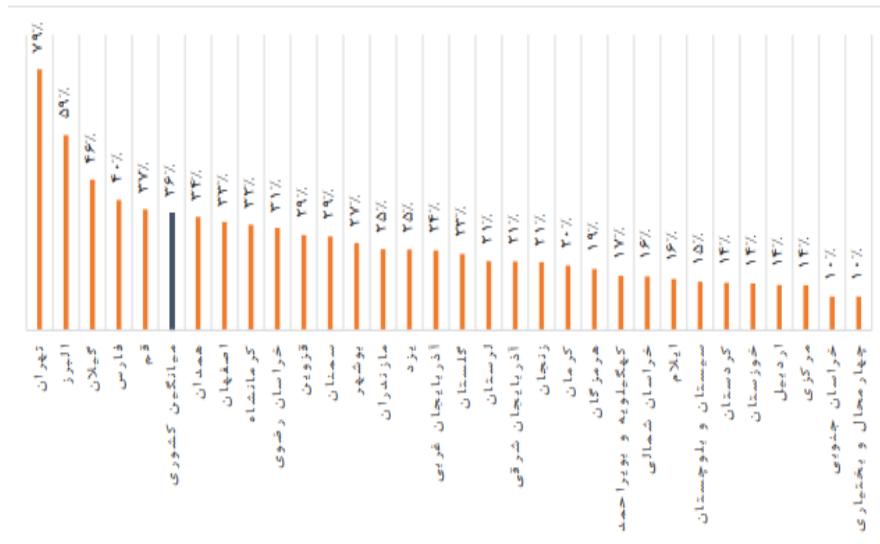
ث- دسترسی به مسکن

یکی دیگر از شاخص‌هایی که می‌توان بر اساس آن وضعیت کارآمدی سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی بعد از انقلاب را سنجید وضعیت دسترسی به مسکن در شهرستان‌های مختلف است. همان‌طور که در رصد سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی اشاره شد، طرح مسکن مهر یکی از طرح‌های عدالت‌محور برای توزیع مناسب دسترسی به مسکن بود.

یافته‌های تحقیقی که محمدرضا شکیبایی و امجدی (۱۳۹۷) پیرامون مسکن شهری انجام داده‌اند نشان می‌دهد که سطح توسعه‌یافتگی مسکن شهری استان‌های کشور طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۵ شهری بهبود یافته است؛ اما پراکندگی میزان توسعه‌یافتگی طی همین دوره افزایش یافته است. به این معنی که نابرابری در شاخص‌های مسکن افزایش یافته است به طوری که اغلب مسکن مناطق شهری استان‌های مرزی سطح توسعه‌یافتگی کمتری دارند. از طرف دیگر بر اساس شاخص‌هایی که این محققان در نظر گرفته‌اند رشد شهرنشینی با رشد توسعه‌یافتگی مسکن شهری رابطه منفی دارند یعنی افزایش درصد شهرنشینی لزوماً منجر به بهبود شاخص‌های کیفیت مسکن نشده است. بطور کلی نتایج تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم افزایش توسعه‌یافتگی در بخش مسکن، مسئله عدم توازن بین استان‌های کشور وجود دارد. به‌طور مثال توسعه‌یافتگی مسکن شهری استان‌های گیلان، هرمزگان، کردستان، خراسان رضوی، گلستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و خراسان شمالی در هر سه دوره کمتر میانگین آن دوره بوده است (شکیبایی و امجدی، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۵).

علاوه بر پژوهش‌های دانشگاهی، بررسی‌های دفتر مطالعات رفاه اجتماعی نیز نمایانگر وضعیت نامناسب توزیع مسکن و هزینه‌ای مرتبط با آن است. بر اساس دو معیار هزینه مسکن خانوارها و وضعیت محرومیت مسکن می‌توان وضعیت نسبی توزیع مسکن را در کشور ارزیابی کرد.

نمودار شماره (۶) - هزینه مسکن در سبد خانوارها

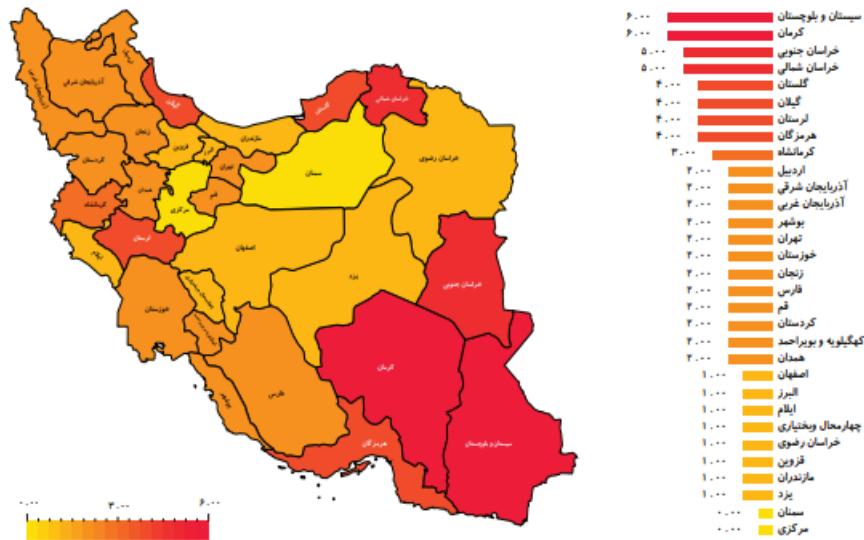


منبع: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

نمودار بالا نشان می‌دهد که سهم ۳۶٪ از خانوارهای کشور، هزینه مسکن‌شان بیش از ۳۰٪ هزینه‌های خانوار است. استان تهران با ۷۹٪ خانوار عدم برخوردار از مسکن مقرون‌به‌صرفه در رتبه اول قرار دارد. این شاخص در مناطق شهری ۴/۵ برابر مناطق روستایی است. به‌طور کلی استان‌های البرز و تهران دو برابر متوسط کشوری دچار عدم برخورداری از مسکن مقرون‌به‌صرفه‌اند. نقشه وضعیت محرومیت مسکن در کشور (عدد مقابل هر استان تعداد دفعات بدتر بودن وضعیت آن از میانگین کشوری است).

نقشه شماره (۱) توزیع جغرافیایی فقر مسکن را نشان می‌دهد که استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان با نمره ۶ (یعنی ۶ مورد از ۷ شاخص) از متوسط کشوری وضعیت بدتری دارند. بعد از این دو استان، استان‌های خراسان جنوبی و خراسان شمالی با نمره ۵ قرار دارند. این داده‌ها در سطح کشوری به خوبی نابرابری و عدم توزیع مناسب مسکن در کشور را نمایش می‌دهند.

نقشه شماره (۱)



منبع: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

یافته‌های تحلیلی پژوهش

بر اساس آنچه گفته شد ارزیابی سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی بعد از انقلاب نشان می‌دهند که در شاخص‌های کلان سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی آن گونه که می‌بایست اهداف خود را متحقق نساختند و در برخی از حوزه‌ها نیز ما شاهد افزایش شکاف نسبت به سال‌های اول انقلاب بوده‌ایم. افزایش ضریب جینی، توزیع نابرابر امکانات هم در پیرامون مرکز و هم در پیرامون نشان‌دهنده ناکارآمدی سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی بعد از انقلاب بوده است. این ناکارآمدی سیاست‌ها هم بر اساس آمار و ارقام قابل رصد بوده و هم ادراک افراد از وضعیت اقتصادی به عنوان شاخص مهمی که کنش سیاسی افراد را در جامعه متأثر می‌کند، نشانی بر عدم تحقق اهداف سیاست‌ها است.

علاوه بر نتایج سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی طبق داده‌های آماری، نتایج تحقیقی که علایی (۱۴۰۰) درباره ادراک از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و کنش سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی انجام داده است، مشخص شد که در حوزه‌های مختلف، افراد از وضعیت توزیع ادراک ناعادلانه‌ای داشته‌اند.

طبق نتایج به دست آمده در حسوزه دسترسی به شغل هم در بعد شخصی و شایستگی و هم نوع توزیعی قشری پاسخ‌دهندگان بر این باورند که توزیع موقعیت‌های شغلی عادلانه نیست. حدود ۶۰٪ افراد بر این باورند که با داشتن شایستگی هم نمی‌توانند به شغل موردنظر خود دسترسی داشته باشند و از طرف دیگر ۶۲٪ معتقدند که تنها قشر خاصی می‌توانند موقعیت شغلی مناسبی داشته باشند. در مقابل تنها ۱۰٪ مخالف توزیع قشری گونه مشاغل در کشور هستند.

در مورد دسترسی بدون داشتن استحقاق، ۸۰٪ به‌طور میانگین بر این باورند که برخی‌ها در کشور بدون اینکه تلاشی داشته باشند چیزهایی را بدست می‌آورند که استحقاق آن را ندارند. در مقابل تنها ۱۰٪ افراد به‌طور میانگین موافق با این نظرند که برخی از افراد بدون اینکه تلاشی کنند به چیزهای زیادی می‌رسند.

درباره تفاوت بین ثروتمندان و عموم مردم برای دسترسی به امکانات؛ ۵۰٪ افراد بر این باورند که عموم مردم در نسبت با ثروتمندان با سختی زیادی مایحتاج روزانه خود را تهیه می‌کنند و در مقابل ۳۰٪ هم بر این باورند که عموم افراد در تهیه مایحتاج خود در نسبت با ثروتمندان سختی زیادی را متحمل نمی‌شوند.

برای توزیع یکسان و رایگان امکانات بدون تلاش؛ ۵۴٪ افراد این شیوه توزیع را ناعادلانه تلقی کرده‌اند و مخالف با این نوع توزیع هستند. در مقابل تنها ۲۶٪ از افراد موافق توزیع امکانات بدون در نظر گرفتن میزان تلاش آنها در جامعه هستند؛ اما در مورد توزیع امکانات رایگان در حوزه بهداشت و آموزش برای همه توسط دولت، ۶۲٪ موافق این عمل هستند و آن را عادلانه تلقی می‌کنند و در مقابل تنها ۲٪ به‌طور میانگین مخالف توزیع خدمات رایگان دولت در حوزه‌های مذکور برای همگان هستند.

در بعد مقایسه‌ای ۷۴٪ بر این باورند که توزیع ایران نسبت به ترکیه و آمریکا بسیار بدتر است. در مقابل تنها ۵٪ مخالف بد بودن وضعیت توزیع درآمد در ایران نسبت به آمریکا و ترکیه بوده‌اند. در بعد مقایسه زمانی در کشور؛ ۵۴٪ مخالف بهبود وضعیت توزیع درآمد بعد از انقلاب شده‌اند و تنها ۲۲٪ موافق بوده‌اند که وضعیت توزیع بعد از انقلاب بهبود پیدا کرده است.

به طور میانگین ۶۴٪ از پاسخ دهندگان بر این باورند که نهادهایی مانند بهزیستی، کمیته امداد و ... که هدف توزیع و بازتوزیع را بر عهده دارند و هدفشان کاهش نابرابری بوده است نتوانسته‌اند در بهبود وضعیت نابرابر کشور نقش مؤثر داشته باشند و تنها ۱۲٪ موافق عملکرد مثبت این نهادها بوده‌اند.

در ارزیابی سیاست توزیع یارانه‌ها که جزء کلان‌ترین سیاست‌های بازتوزیع بعد از انقلاب با هدف برقراری عدالت و رفع نابرابری در کشور بوده است، ۷۲٪ از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که این سیاست در کاهش نابرابری و بهبود عدالت اجتماعی مؤثر نبوده است و تنها ۱۰٪ به تأثیر مثبت این سیاست‌ها اشاره کرده‌اند.

پیرامون توزیع درآمدی بین دهک‌ها نیز ۶۸٪ پاسخ‌دهندگان بر تفاوت چشمگیر بین دهک‌ها نظر دارند و در مقابل تنها ۸٪ مخالف وجود تفاوت چشمگیر بین دهک‌ها بوده‌اند. در مورد وضعیت توزیع امکانات بهداشتی و آموزشی که به عنوان یکی از کارکردهای توزیعی مهم دولت‌ها در اقتصادهای دولتی شناخته می‌شود، ۹۰٪ افراد بر این باورند که توزیع این امکانات در کشور ناعادلانه است و تنها ۵٪ بر این باورند که توزیع امکانات بهداشتی و آموزشی در کشور عادلانه بوده است.

بر اساس مدل نظری پژوهش، عملکرد نامناسب ناشی از اجرای سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی به ایجاد حس بی‌عدالتی و محرومیت نسبی منجر می‌شود که خود این امر باعث کاهش سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی می‌شود و در فراگرد بازخوردی سیستم باعث کاهش حمایت سیاسی از نظام می‌شود. بر اساس آنچه در بعد نظری بر مبنای آرای نظریه‌پردازان (آلموند و پاول و مرتن) گفته شد؛ در صورتی که سیستم نتواند خروجی متناسب با ورودی و سطح فرایندی تقاضا داشته باشد در قسمت نتایج با افزایش نابرابری و کاهش سرمایه اجتماعی مواجه خواهد شد که پیامد آن عزلت‌گزینی و بی‌تفاوتی سیاسی است که در فرایند بازخوردی در سیستم، کنش سیاسی افراد در دو سر طیف قابل ارزیابی است. در یک سو ما شاهد بی‌تفاوتی سیاسی و عدم حمایت مردم از نظام سیاسی هستیم که بارزترین آن در انتخابات نمود پیدا می‌کند و در سوی دیگر شاهد بروز اعتراضات و شورش‌های اجتماعی خواهیم بود. از این رو رصد وضعیت در دهه ۹۰ به خوبی نشانگر بروز کنش سیاسی افراد در دو سر طیف رادیکال و عزلت‌گزینی بوده است.

از بعد بی‌تفاوتی سیاسی، بررسی نرخ مشارکت در انتخابات به‌خوبی مؤید این مسئله است که افزایش نابرابری‌ها و ادراک بی‌عدالتی در حوزه‌های مختلف به عزت‌گزینی بخشی از اقشار و کاهش مشارکت سیاسی منجر شده است. طبق تحقیق علایی (۱۴۰۰)؛ در بعد رفتار سیاسی که نشان از تمایل افراد برای کنش در حوزه‌های مختلف است نتایج حاکی از آن است که از میان پاسخ‌دهندگان، ۶۴٪ افراد علاقه‌ای برای عضویت در حزب و حمایت از یک جناح سیاسی ندارند. درباره تحریم انتخابات و مشارکت، ۴۰٪ افراد موافق تحریم انتخابات و تنها ۳۳٪ مخالف تحریم انتخابات بوده‌اند. در مورد مشارکت سیاسی افراد در انتخابات ریاست جمهوری، حدود ۳۸٪ پاسخ‌دهندگان نسبت به مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ناامید و دلسردند و تمایلی به مشارکت ندارند و تنها ۲۹٪ تمایل به مشارکت در انتخابات دارند. در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز ۴۱٪ تمایلی به مشارکت ندارند و ۳۰٪ تمایل به مشارکت دارند. پیرامون مشارکت در سخنرانی‌ها و همایش‌های سیاسی نیز نشان می‌دهد که ۳۰٪ افراد تمایلی به حضور در این فضا ندارند و ۳۰٪ تمایل به شرکت دارند. همچنین حضور افراد برای مشارکت در راهپیمایی‌ها نیز با ۴۵٪ مخالف و ۳۰٪ موافق نشانگر بی‌تمایلی بخش زیادی از افراد برای حضور در این مراسم است (علایی، ۱۴۰۰: ۱۲۳). در پژوهش علایی که رابطه بین عدالت ادراک شده از وضعیت توزیع و بازتوزیع و کنش سیاسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی بررسی شد؛ بین عدالت و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود داشته است:

جدول (۳) همبستگی عدالت ادراک شده و بی‌تفاوتی سیاسی

متغیر	عدالت ادراک شده
بی‌تفاوتی سیاسی	همبستگی پیرسون
	سطح معناداری
	تعداد
	-۰.۱۸۰
	۰.۰۰۰
	۳۸۴

جدول (۳) نشان‌دهنده رابطه بین عدالت ادراک شده و بی‌تفاوتی سیاسی است. بر اساس دیدگاه رابرت مرتن (۱۹۳۸)، چنانچه وسایل دستیابی به اهداف تعیین شده در جامعه متناسب و همسو باشد و افراد بتوانند بر اساس توانایی خود به اهداف خود رسند، رفتار مشارکت‌جویانه‌تر و فعال دارند ولی در صورتی که افراد بین اهداف و وسایل دسترسی به

آنها تناسبی نبینند و در مقایسه با بخش دیگر اجتماعی احساس نابرابری کنند دچار بی تفاوتی سیاسی و اجتماعی می شوند (علایی، ۱۴۰۰: ۱۳۰). همچنین رضایی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی نشان داده اند که بین احساس عدالت اجتماعی با بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری دارد و احساس بی عدالتی به بی تفاوتی سیاسی منجر می شود. در بخش دیگری از نتایج تحقیق علایی (۱۴۰۰) رابطه بین عدالت ادراک شده از سیاست های توزیعی و بازتوزیعی و مشارکت سیاسی نشان داده شده است:

جدول (۴) همبستگی عدالت ادراک شده و مشارکت سیاسی

عدالت ادراک شده		متغیر
۰.۴۲۳	همبستگی پیرسون	مشارکت سیاسی
۰.۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد	

جدول (۴) نشان می دهد بین عدالت ادراک شده و مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. از این رو هر چقدر که ادراک از عدالت در جامعه مثبت باشد و افراد احساس عدالت در حوزه توزیع و بازتوزیع داشته باشند ما شاهد افزایش مشارکت سیاسی در جامعه خواهیم بود و برعکس (علایی، ۱۴۰۰: ۱۳۳).

در زیر وضعیت نرخ مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری از سال ۱۳۸۸ و انتخابات مجلس از سال ۱۳۹۲ آورده شده است که کاهش نرخ مشارکت را نشان می دهد. بررسی تطبیقی نرخ مشارکت سیاسی در دوره های مختلف با نمودارهای مربوط به نتایج سیاست های توزیعی و بازتوزیعی و همچنین نتایج تحقیقات علایی و رضایی و همکارانش، گویای این واقعیت است که با بدتر شدن وضعیت ضریب جینی، افزایش هزینه خانوارها و تورم، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش شکاف طبقاتی و بینادهمکی و افزایش نرخ فقر کشوری از اوایل دهه ۹۰ شمسی به بعد، ما شاهد کاهش نرخ مشارکت هستیم.

جدول شماره (۵) نرخ مشارکت انتخابات ریاست جمهوری از سال ۱۳۸۸ به بعد

رئیس جمهور منتخب	دوره	تعداد واجدین شرایط	تعداد شرکت کنندگان	میزان مشارکت (درصد)
محمود احمدی نژاد	دهم	۴۶۱۹۹۹۷	۳۹۳۷۱۲۱۴	۸۴.۸۳
حسن روحانی	یازدهم	۵۰۴۸۳۱۹۲	۳۶۸۲۱۵۳۸	۷۲.۹۴
حسن روحانی	دوازدهم	۵۶۴۱۰۲۷۵	۴۱۳۶۶۰۸۵	۷۳.۳۳
سید ابراهیم رئیسی	سیزدهم	۵۹۳۱۰۳۰۷	۲۸۹۳۳۰۰۴	۴۸.۸

بررسی وضعیت نرخ مشارکت در انتخابات مجلس نیز گویای همین مسئله است که از دوره نهم (۱۳۹۱) به بعد ما شاهد کاهش نرخ مشارکت هستیم که این کاهش بویژه در دوره یازدهم که بعد از خروج آمریکا از برجام و بدتر شدن وضعیت اقتصادی کشور شد کاملاً نمایان است. در تحقیقی که شفیع سیف‌آبادی (۱۴۰۰) پیرامون دلایل کاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری انجام داده است، یکی از عوامل موثر در کاهش مشارکت را عوامل اقتصادی از قبیل رشد تورم، شکاف طبقاتی و نابرابری ذکر کرده است.

جدول شماره (۶) نرخ مشارکت انتخابات مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۹۱ به بعد

دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی	درصد مشارکت
دوره یازدهم	مشارکت در کل کشور: ۴۲/۵۷ درصد
دوره دهم	مشارکت در کل کشور: ۶۱/۸۳ درصد
دوره نهم	مشارکت در کل کشور: ۶۴/۰۲ درصد

بدین سان بررسی و ارزیابی نتایج شاخص‌های کلان سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و سیکل‌های تجاری اقتصادی انتخابات، نشانگر کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی، رشد عزلت‌گرایی و بی‌تفاوتی سیاسی در میان افراد شده است که این امر به کاهش حمایت سیاسی در فرایند بازخوردی سیستم از نظام منجر شده است و خود را در انتخابات که نمود عینی و بارز مشارکت و کنشگری سیاسی است به خوبی نشان داده است. علاوه بر مشارکت در انتخابات، ما شاهد کاهش تمایل افراد برای حضور در مراسم رسمی مانند راهپیمایی‌ها، همایش‌ها و کارناوال‌های سیاسی هستیم.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین هدف سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی که توسط دولت‌ها تدوین و اجرا می‌شود رفع و کاهش نابرابری‌ها در جامعه و افزایش ضریب پایایی و تاب‌آوری سیستم سیاسی است. سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی به‌ویژه بعد از انقلاب‌ها برای تعدیل نابرابری‌ها و افزایش رضایت و حمایت از سیستم جدید صورت می‌گیرد. بعد از انقلاب اسلامی، دولت‌ها در قالب‌های متنوع سیاست‌های توزیع و بازتوزیعی را تدوین، اجرا و نهادهای گوناگونی برای اجرای این سیاست‌ها تأسیس شد. گرچه این سیاست‌ها در تمام دولت‌ها یکسان نبوده و با فراز و فرودهایی همراه بوده است؛ اما در تمام دولت‌ها سعی شد برای کاهش شکاف طبقاتی و رفع نابرابری‌ها اقداماتی انجام شود.

بررسی نتایج بر اساس آمار و ادراک افراد از نتایج سیاست‌ها نشان‌دهنده ناکارآمدی نسبی این سیاست‌ها و نهادها و تشدید نابرابری‌ها و ایجاد ادراک بی‌عدالتی در دهه ۹۰ است. علاوه بر آمار، ادراک افراد از وضعیت اقتصادی بر عدم کارآمدی این سیاست‌ها تأکید دارند که این وضعیت در فراگرد بازخوردی در سیستم بخوبی نمایش داده می‌شود. همان‌گونه که بیان می‌شود مهم‌ترین نمود حمایت از یک نظام سیاسی بویژه نظام‌های انتخاباتی، میزان مشارکت سیاسی است که افزایش آن نشانگر عملکرد مناسب سیستم و کاهش مشارکت به‌عنوان یک هشدار نشانگر کاهش حمایت از نظام سیاسی است.

بررسی تطبیقی خروجی سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی، بی‌تفاوتی سیاسی و نرخ مشارکت در دهه ۹۰ بخوبی نشانگر همبستگی وضعیت توزیع و بازتوزیعی منابع در کشور و میزان مشارکت در انتخابات و در نهایت وضعیت حمایت از نظام سیاسی است. ناکارآمدی این سیاست‌ها و نهادها روز به روز نمایان‌تر و شکاف و نابرابری باعث ایجاد حس بی‌تفاوتی سیاسی در بین مردم شده است که کاهش تمایل برای حضور در مراسم رسمی حاکمیتی (مانند راهپیمایی‌ها، گردهمایی‌ها، سخنرانی‌ها) و مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را می‌توان یکی از پیامدهای این مسئله دانست.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Jalil Dara



<https://orcid.org/0000-0003-3751-9212>

Javad Alaei Avargani



<https://orcid.org/0000-0001-9495-673X>

منابع

- آلموند، گابریل و جی. بینگهام پاول، (۱۳۸۱)، چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، علی‌رضا طیب، چاپ اول، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- بانک جهانی، (۲۰۲۲)، «به‌روزرسانی اقتصاد ایران»، دسترسی در: <https://www.worldbank.org/en/country/iran/publication/economic-update-april-2022>.
- بانک جهانی، شاخص ضریب جینی ایران بین سال‌های ۱۹۸۶ الی ۲۰۱۹، دسترسی در: https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?contextual=default&end=2017&locations=IR&most_recent_year_desc=false&start=1986&view=chart.
- حاتمی، عباس، (۱۳۹۲)، «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت غیر یکپارچه در ایران»، فصلنامه سیاست دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.
- حاتمی، عباس، (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی تطبیقی رژیم‌های توزیعی و بازتوزیعی: به‌سوی رهیافت کارکردی»، فصلنامه سیاست دانشگاه تهران، بهار، دوره ۴۳، شماره ۲۵.
- خبرگزاری صدا و سیما، (۱۳۹۷/۰۷/۱۷)، «معوقات بانک‌ها به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسید»، قابل مشاهده در: <https://www.iribnews.ir/fa/news/2296911>.
- زیرک، سعیده، (۱۳۹۲)، «تحلیل وضعیت پرداخت یارانه‌ها در ایران با تأکید بر آسیب‌شناسی سیاست‌های دولت در راستای اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، بهار، سال یکم، شماره ۱.
- سایت خبری کیهان، (۱۳۹۷/۰۷/۱۱)، ۸۴ درصد معوقات بانکی در جیب افراد خاص، قابل مشاهده در: <http://kayhan.ir/fa/news/133991/84>.
- خبرگزاری فارس، (۱۴۰۱ / ۰۱ / ۲۱)، «تردید بانک‌ها در معرفی بدهکاران بالای هزار میلیارد تومان»، قابل مشاهده در: <https://www.farsnews.ir/news/14010121000401>.
- سبکتکین ریزی، قربانعلی، روهنده، مجید، بساطیان، سید محمد؛ جعفری، احمد، (۱۳۹۵)، «رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۸، صص ۱۸-۹۶.

- شفیعی سیف‌آبادی، محسن، (۱۴۰۰)، «بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان؛ برپایه نظریه مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریونویسی شوارتز»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۶، تابستان، شماره ۳.
- شکیبایی، علی‌رضا و محمدحسین امجدی، (۱۴۰۰)، «نابرابری مسکن شهری در استان‌های کشور»، *فصلنامه نظریات کاربردی اقتصاد*، بهار، سال هشتم، شماره ۳.
- عالم، عبدالرحمان، (۱۳۹۴)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: سمت.
- علایی اورگانی، جواد، (۱۴۰۱)، رابطه ادراک از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و کنش سیاسی دانشجویان متولد دهه هفتاد (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس.
- فتحی‌پور، ارسلان، (۱۳۹۰)، الزامات اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کلارک، باری، (۱۳۸۹)، *اقتصاد سیاسی تطبیقی*، عباس حاتمی، چاپ اول، تهران: کویر.
- مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۶۶)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: سروش.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۹)، تصویری از وضعیت اقتصادی کشور: چالش‌ها و راهکارها، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دسترسی در:
<https://media.farsnews.ir/Uploaded/Files/Documents/1399/03/15/13990315000206>.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۱)، موقعیت شاخص‌های اقتصاد ایران و جهان (نابرابری) شماره مسلسل: ۲۲۰۱۲۸۲۱. دسترسی در:
<https://www.majlis.ir/fa/report/show/831052>.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۸)، *ضریب جینی کل کشور (دهک وزنی)*، دسترسی در:
<https://www.amar.org.ir//2050>.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۸)، *خدمات اجتماعی و حمایتی*، دسترسی در:
<https://www.amar.org.ir>.
- محمودی، مرضیه، تجارت نیوز، (۱۳۹۹/۱۲/۲۵)، «دستمزد دلاری نصف شد»، قابل مشاهده در:
<https://tejaratnews.com/1400>.
- مهرگان، نادر، (۱۳۸۵)، «تاثیر متغیرهای اقتصادی بر مشارکت مردم در انتصابات ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد*، سال ۶، شماره ۱، صص ۵۱-۶۳.
- نیلی، مسعود و همکاران، (۱۳۹۴)، *اقتصاد و عدالت اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۴۰۰)، «مجموعه گزارش‌های فقر؛ فقر مسکن»، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، تابستان، شماره ۱۳.

- هزاره مقدم، نسرین، خبرگزاری ایلنا، (۱۴۰۱/۱۰/۲۹)، با دستمزد «کمتر از ۱۸ میلیون تومان» زندگی ممکن نیست قابل مشاهده در: <https://www.ilna.ir>.

References

- Kiafar, A, (1992), *Urban Land Policies in Post Revolutionary Iran, in Modern Capitalism and Islamic Deology in Iran*, Edited by C. Bina & et al., London: IMac Milan Press.
- Merton, Robert K, (1968), *Social Theory and Social Structure*, Newyork: Free Press.
- Moaddel, M, (1991), *Class Struggle in Post Revolutionary Iran*, Middle East Studies, Vol. 23.
- World Bank, Gini Coefficient Index of Iran between 1986 and 2019, access at: https:// data. worldbank. org/ indicator/ SI.POV. GINI? contextual= default &end= 2017& locations =IR&most_ recent_ year_ desc=false&start=1986&view=chart.
- World Bank, (2020), “Iran Economy Update”, available at: <https:// www. worldbank.org/en/country/iran/publication/economic-update-april-2020>.

In Persian

- Alam, Abdurrahman (2014), *Foundations of Political Science*, Tehran: Samt.
- Alaei Avergani, Javad, (2022), Understanding of Distributional and Reunification Policies and Political Action of Students Born in the Seventies, Ph.D Thesis, Tarbiat Modares University, Faculty of Law and Political Sciences.
- Almond, Gabriel and J. Bingham Powell, (2002), *A Theoretical Framework for Analyzing Comparative Politics*, Alireza Tayeb, 1st Edition, Tehran: Iran Management and Planning Organization.
- Hatami, Abbas, (2013), “Government and Economy in Iran After the Revolution: the Effect of Redistributive Policies on Hermeneutic, Class Conflicts and the Emergence of a Non-unified State in Iran”, *Politics Quaterly*, Summer, Vol. 38, No. 2.

- Hatami, Abbas, (2013), “Comparative Typology of Distributive and Redistributive Regimes: Towards a Functional Approach”, *Politics Quarterly*, Spring, Vol. 43, No. 25.
- Zirak, Saeedeh, (2012), “Analysis of the State of Subsidy Payments in Iran with an Emphasis on the Pathology of Government Policies in the Direction of Reforming the Subsidy Payment System”, *Financial and Economic Policy Quarterly*, Spring, Vol. 1, No. 1.
- Fathipour, Arsalan, (2011), Requirements for the Implementation of the Targeting Law of Subsidies, Islamic Parliament Research Center.
- Hezare Moghadam, Nasreen, Ilna News Agency, (2023/ 19/01), It Is Not Possible to Live with a Salary of “Less than 18 Million Tomans”, available at: <https://www.ilna.ir>.
- Nili, Masoud et al., (2014), *Economy and Social Justice*, Tehran, Ni.
- Islamic Council Research Center, (2012), “Position of Iran and World Economic Indicators (Inequality), Serial Number: 22012821, available at: <https://www.majlis.ir/fa/report/show/831052>.
- Iran Statistics Center, (2018), “Gini Coefficient of the Whole Country (Weighted Decile)”, available at: <https://www.amar.org.ir/2050>.
- Iran Statistics Center, (2018), “Social and Support Services”, available at: <https://www.amar.org.ir>.
- Keyhan News Site, (2017), 84 Percent of Bank Arrears in the Pockets of Certain People, available at: <http://kayhan.ir/fa/news/133991/84>.
- Clark, Bari, (2010), *Comparative Political Economy*, Abbas Hatami, First Edition, Tehran: Kavir.
- Madani, Jalaluddin, (1978), *Islamic Republic's Constitutional Rights*, Volume IV, First Edition, Tehran: Soroush.
- Mahmoudi, Marziyeh, Tejarat News, (25/12/2019), Dollar Wages Were Halved, available at: <https://tejaratnews.com/1400>.
- Mehregan, Nader, (2016), The Effect of Economic Variables on People's Participation in Iran's Appointments, *Economic Research Quarterly*, Vol. 6, No.1, pp. 51-63.

- Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, (2021), "Poverty Report Collection; Housing Poverty", *Office of Social Welfare Studies*, Summer, No. 13.
- IrIb News Agency, (2017), "Bank Arrears Reached 400 Thousand Billion Tomans", available at: [https:// www. iribnews.ir/fa/news/2296911](https://www.iribnews.ir/fa/news/2296911) The Official Newspaper of the Islamic Republic, 22/03/1985.
- Sabaktakin Reizi, Ghorban Ali, Rohandeh, Majid, Basatiyan, Seyed Mohammad; Jafari, Ahmad, (2016), "Satisfaction and Socio-political Participation, A Case Study: Citizens of Karaj City", *Applied Sociology*, Vol. 28, pp. 96-18.
- Shafie'i Seifabadi, Mohsen, (2022), Investigating the Reasons for the Decrease in Popular Participation in the 1400 Elections and the Future of Citizens' Electoral Behavior; Based on Milbrath's Theory of Political Participation and Schwartz's Scenario Writing Theory", *Political Science Journal*, 16th, No. 3 (63 Series).
- Shakibaei, Alireza & Mohammad Hossein Amjadi, (2022), "Urban Housing Inequality in the Provinces of the Country", *Applied Economic Theory Quarterly*, Spring, Vol. 8, No. 3.
- The Research Center of the Islamic Council, (2019), "A Picture of the Country's Economic Situation: Challenges and Solutions, Vice President of Economic Research", available at: [https:// media. farsnews. ir/ Uploaded/ Files/Documents/2022/06/04/13990315000206](https://media.farsnews.ir/Uploaded/Files/Documents/2022/06/04/13990315000206).

استناد به این مقاله: دارا، جلیل، علایی آورگانی، جواد، (۱۴۰۲)، «بررسی پیامدهای سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل آلموند- پاول و رابرت مرتن»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۲(۴۷)، ۳۸-۷۲. doi: 10.22054/QPSS.2023.71676.3165



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License